



فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ششم، شماره ۲۱، زمستان ۹۵

مفهوم مسائل بدخیم

— محمد فاضلی —

مفهوم «مسائل بدخیم» از دهه ۱۹۷۰ در ادبیات علوم اجتماعی، اقتصادی و مدیریت به کار برده شده و پس از آن به شدت گسترش یافته است. این مفهوم بر طیفی از مسائل تأکید می‌کند که برای آن‌ها ویژگی‌های زیر برشمرده شده است:

۱. هیچ صورتبندی مشخصی از مسئله بدخیم وجود ندارد. اطلاعات لازم برای شناخت مسئله، به ایده متناظر با حل مسئله بستگی دارد. تعریف مسئله، خود مسئله است.
۲. مسئله تا زمانی که راه‌حل آن پیدا نشده، قابل تعریف نیست. کسی نمی‌تواند مسئله را تعریف و بعد آن را حل کند.
۳. مسائل بدخیم، قاعده توقف ندارند، و به خاطر زمان، هزینه یا ارزش‌ها راه حل متوقف می‌شود.
۴. راه‌حل مسائل بدخیم، درست یا غلط نیستند، بلکه خوب یا بد هستند.
۵. آزمون صریحی برای ارزیابی پیامدهای راه‌حل وجود ندارد. موجی از پیامدها در پس هر راه حلی خوابیده است.
۶. فرصت برای آزمون و خطا وجود ندارد و هر بار تلاش برای حل مسئله، پیامدهای سنگین دارد.
۷. مجموعه مشخصی از راهکارها در میان نیست. مجموعه راهکارهای ممکن، در تعامل بررسی می‌شوند و کاربست آن‌ها نیز تابع قواعد الزاماً مشخصی نیست.
۸. هر مسئله تقریباً منحصر به فرد است و از این‌رو انتقال راه‌حل‌ها، الزاماً درست نیست.
۹. سطح مسئله بیشتر به تحلیل‌گر بستگی دارد تا ذات مسئله، و هر مسئله قابل ارجاع به مسئله دیگری است.



برخی از عمده‌ترین مسائل سیاست عمومی در ایران کم و بیش به مسائل بدخیم شباهت یافته‌اند. مسائلی نظیر محیط زیست و آب، نظام بانکی، نظام مالیاتی، وضعیت صندوق‌های بازنشستگی و خروج از رکود به درجاتی شباهت‌های جدی به مسائل بدخیم دارند. ادبیات و دانش تولیدشده در زمینه مسائل بدخیم می‌تواند به بهبود درک ما از سیاست عمومی در این عرصه کمک کند. جست‌وجوی ساده بانک‌های اطلاعاتی نشان می‌دهد متونی انگشت‌شمار درباره مسائل بدخیم به فارسی موجود است و اصلی‌ترین کتب و مقالات در این عرصه به زبان فارسی برگردانده نشده‌اند.

مقاله «غلبه بر تراژدی برآمده از مشکلات فوق‌وخیم: محدود ساختن منافع شخصی آینده برای بهبود وضعیت تغییرات اقلیمی جهانی» یکی از مهم‌ترین نوشته‌ها در سالین اخیر در ادبیات مسائل بدخیم است که ضمن معرفی مفهوم «مسائل فوق‌بدخیم»، طیفی از دست‌آوردهای نظری نهادگرایی را برای تحلیل سیاست‌گذاری به منظور ایجاد تغییرات لازم در وضعیت مسائل فوق‌بدخیم ارائه می‌کند. فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی با عنایت به ظرفیت ادبیات مسائل بدخیم برای تحلیل مسائل سیاست‌گذاری عمومی در ایران نسبت به ترجمه این مقاله اقدام کرده است. مقاله البته بسیار طولانی و ترجمه فارسی آن قریب به بیست‌ویک هزار کلمه بوده که با توجه به محدودیت صفحات مجله، در دو شماره منتشر می‌شود. قسمت اول مقاله که در این شماره ارائه شده، بیشتر ناظر بر ابعاد نظری مقاله است و قسمت دوم به کاربردی‌ترین ایده‌های نظری ارائه‌شده در عرصه سیاست‌گذاری می‌پردازد. مقاله اگرچه بر سیاست‌گذاری برای مقابله با تغییرات آب و هوایی متمرکز است، اما حاوی برخی از غنی‌ترین ایده‌های ادبیات مسائل بدخیم و نهادگرایی در حوزه سیاست‌گذاری عمومی است.

Archive